



۲۰۱۲/۱۲/۰۷

داکتر عبدالرحمن زمانی

## توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی: نمونه های از شواهد و اسناد دسیسه های انگلیس

(قسمت ۳۷)

### مخفی نگهداشتن مسافرت سردار محمد نادرخان

انگلیس ها در حالیکه به محمدنادرخان و برادرانش محمدهاشم خان و شاه ولی خان ویژه دیپلوماتیک داده بودند، خبر صدور ویژه به ایشان، پلان حرکت و مسیر مسافرت، و از همه مهمتر هدف مسافرت شان به افغانستان را از انظار افغانها و خارجیان مخفی نگهداشتند، بلکه برای گمراه ساختن افغانها و افکار عامه معلومات نادرست و غلط را نیز پخش میکردند. درین زمینه باز هم به آوردن چند مثال اکتفا میکنیم:

سردار محمد عزیز خان، برادر نادرخان بتاريخ ۹ فیبروری ۱۹۲۹ توسط تلگرامی از «نیس» به ایم ای حکیم نوشت که نادر خان، هاشم خان و شاه ولی خان از طریق هند بطرف افغانستان حرکت کردند. (۱) ایم ای حکیم پشتون تبار از اتباع بریتانوی بوده عضویت یک شرکت قراردادی را داشته و یکی از کمیشن کارانی بود که با کابل تجارت بزرگ داشت. او همچنان نماینده اینر در کابل بوده گفته میشد پول زیادی را در اختیار داشت. (۲) پولادا (ص ۱۴۰) مینویسد که موریش Morrish (نام مستعار ایم ای حکیم)، یکی از تاجران پولدار پشتون که در پشاور زندگی میکرد، بود. او ضد امان الله خان بوده و بحیث رابط بین انگلیس ها و نادرخان کار میکرد.

وقتی که سفیر انگلیس در پاریس به وزارت خارجه اش از مراجعه سفیر افغانستان و خواستن معلومات راجع به درخواست ویژه محمدنادرخان اطلاع داد، وزارت خارجه بتاريخ ۱۶ فیبروری ۱۹۲۹ به وی گفت که به آنها ویژه داده شده است، اما چون امکان دارد این معلومات در راه بازگشت محمدنادرخان و برادرانش به کشور مواعی را ایجاد کند، هدایت داده شد که «در حال حاضر دادن این معلومات و فرصت مداخله به سفیر افغانستان درین مورد مناسب نیست. جناب شما نباید به این درخواست [دادن معلومات] تن در دهید. من این اختیار را که چگونه به وی جواب رد میدهید، به شما میگذارم. ولی اگر شما فکر میکنید که نباید مکتوب حبیب الله طرزی بیجواب بماند، من پیشنهاد میکنم که جواب شما ساده و طوری باشد که گویا صدور ویژه انگلیسی برای قلمرو انگلیسی بوده، برای افغانستان یا کدام کشور خارجی دیگر نمیباشد، لذا جواب دادن به تقاضای شما کدام مفهومی ندارد.» (۳)

فردای آن یک اعلامیه رسمی از طریق سفارت افغانستان در برلین به مطبوعات آلمانی داده شد که اطلاع میداد «نادرخان بدعوت امان الله خان، برای کمک به وی، نه بحیث مدعی سلطنت، «نیس» را بقصد افغانستان ترک گفته است. نادر خان و برادرانش مستقیم بطرف قندهار رفته و کدام دلیلی برای مشکوک بودن به نیت خصمانه شان وجود ندارد.» (۴)

با اطمینان از حرکت محمدنادر خان و برادرانش، پلان انگلیس ها وارد مرحله جدیدی شد. همفریز سفیر انگلیس در کابل بتاريخ ۲۰ فیبروری با وزیر خارجه حبیب الله کلکانی ملاقات نموده و اعلام داشت که دولت بریتانیا سفارت خود را از افغانستان خارج میکند.

در همین دوران یک دسته شصت (۶۰) نفری عساکر و صاحبمنصبان اردوی افغانستان پایگاه خود در «خرلاچی» را ترک گفته به «پاراجنار» آمدند. آنها میخواستند از راه چمن به قندهار رفته و اسلحه خود را در چمن دوباره تسلیم شوند. اما کمشنر عمومی انگلیس در پشاور تقاضای شانرا را نموده گفت که اگر خواهان بازگشت به افغانستان هستند، باید از همان راهی که آمده اند، پس بروند. (۵) در همان روز کمشنر مذکور اطلاع داد که لشکر های وردکی و غلجی که در برمل و کتواز جمع شده بودند، بطرف قلات غلجی مارش نموده اند. صد ها نفر از کوچی های افغان

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

[که اکثریت شان مریدان حضرت شوربازار بودند] قبل از وقت به افغانستان برگشته اند. اما این تعداد تا هنوز از نظر سیاسی قابل توجه نیست. (۶)

به قونسل جنرال افغانی در بمبئی، جائیکه محمدنادر خان از کشتی پیاده میشد، هم قبلاً اخطار داده شده بود تا از تبلیغات و فعالیت سیاسی کناره گیری کند، در غیر آن به افغانستان برگردد. قونسل افغان این برخورد انگلیس ها را مغایر با فقرات ۳ و ۴ قرارداد بین افغانستان و بریتانیا دانسته، احتجاج نمود. او در مکتوب تحریری اش از مقامات انگلیسی پرسید که معنی اصطلاح تبلیغات سیاسی شان چه بوده و از کدام تبلیغات صحبت میکنند. (۷)

### رسیدن محمدنادرخان به هند و مخفی نگهداشتن اهداف

مقامات انگلیسی بتاريخ ۲۱ فبروری به مأمورین شان در بمبئی از آمدن «جنرال نادرخان» و برادرانش اطلاع و هدایت دادند که یک صاحب منصب خردمند در لباس ملکی را برای استقبال او به کشتی بفرستند. او باید خیلی دوستانه به اطلاع نادرخان برساند که نظر به شرایط فعلی وضعیت افغانستان، و به مفاد خود شما، با تأسف زیاد، آنطوریکه شایان شان مهمان برجسته مثل شماست، حکومت هند از شما پذیرائی کرده نمیتواند. ما مطمئن هستیم که او انگیزه و هدف ما را در رابطه با فقدان تشریفات درک خواهد کرد. (۸)

محمدنادرخان با دو برادرش بتاريخ ۲۲ فبروری توسط کشتی «قیصر هند» به بمبئی رسید. نادر خان برای مدت یک یا دو روز برای مشوره بادوستان در بمبئی خواهد ماند، و وعده سپرد که خود و برادرانش نه تلفون ها را جواب داده و نه در مجالس سیاسی شرکت خواهند کرد. مأمورین حکومت بمبئی اطلاع دادند که او با اضطراب زیاد میخواهد بداند که حکومت هند بریتانوی از کدام طرف مورد نظر (مدعی تاج و تخت) مخفیانه طرفداری خواهد کرد. «او ادعا میکند که سخت طرفدار انگلیس ها بوده و منتظر است سیاستی را اتخاذ کند که مورد پسند حکومت هند بریتانوی بوده و با یک افغانستان نیرومند و مستقل هم آهنگی داشته باشد.» (۹) **طوریکه بعداً دیده شد، محمد نادر شاه بدون آنکه رسماً از استقلال کشور صرف نظر کرده باشد در عمل پابند مشوره هند بریتانوی بوده و از تعقیب سیاست مخالف آن در سرحد آزاد خود داری نمود. نادرخان به مقامات هند بریتانوی در دهلی گفت که «او به امان الله خان و کدام کس دیگری کمک نخواهد کرد. امان الله خان به پسر و طرفداران خود [در اروپا] هدایت داده است تا از طریق روسیه نزد او بروند. به نادرخان هم چنین هدایتی داده شده است، اما ترجیح داد از راه هند سفر کند.»** مأموران انگلیسی بنام فریک گزارش داد که نادرخان امکان کاندید شدن خودش را به عالیترین مقام قدرت در افغانستان رد نکرد. (۱۰)

محمدنادرخان هم در دوران اقامت کوتاهش در بمبئی و هم در پشاور به افغانها و آزادیخواهان هند بصورت متواتر راجع به هدف اصلی خویش دروغ میگفت. او میگفت که خودش مدعی تاج و تخت نبوده، تنها برای نجات وطن و برگشتاندن صلح و آرامش برگشته است. انتخاب پیشوا کار مردم افغانستان است. (۱۱) او یکبار دیگر هم هدایت غازی امان الله خان را که مستقیم به قندهار برود، و هم خواست حبیب الله کلکانی را که با طیاره مستقیماً به کابل برود، نادیده گرفت.

در خلاصه راپور مأمور انگلیسی ایکه با نادر خان در بمبئی ملاقات کرد، چنین آمده است: «جنرال نادرخان بیشتر از یکبار به من گفت که مضطرب است بدانند که حکومت بریتانیا آینده اوضاع افغانستان را چگونه میخواهد. اگر او بداند، سعی خواهد کرد مطابق به آن عمل کند. آنها [انگلیس ها] شاید خواسته باشند امان الله، بچه سقاو، یا محمدخان [علی احمد خان؟]، یا عضو دیگری از خانواده سلطنتی یا شخص دیگری پادشاه افغانستان باشد. نادرخان شخصاً آماده است با تمام وزنه و نفوذش به هر آن خطی کمک کند که خواست حکومت بریتانیا باشد؛ او [گویا] خواهان افغانستان قوی، آرام و متحد است.» (۱۲)

تا این وقت برویت اسناد موجود در آرشیف های انگلستان، چند نکته ذیل را میتوان به وضاحت دید:

- محمد نادر خان بحیث یک مهره، مثل مهره های دیگر مرحله نوین بازی بزرگ انگلیس ها ( ماستر پلان مربوط به تعویض غازی امان الله خان درافغانستان)، نقش خاص خودش را داشت. اما آنها تا هنوز تصمیم قطعی نگرفته بودند، به وی وعده تخت سلطنت افغانستان را بدهند. یا به عبارت دیگر نمیخواستندچانس خود را به یک کاندید محدود سازند.
- محمد نادرخان و خانواده اش حاضر بودند، هر نقشی را که انگلیس ها لازم بدانند، در سٹیژ بازی افغانستان بازی کنند. چنانچه قبلاً هم شاه محمود خان نقش منشی حضور حبیب الله کلکانی را بازی کرد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

- استعمار اینبار در مرحله نوین قرار داشته و انگلیس ها با تجربه که از دو جنگ اول و دوم با افغانها داشتند، هرگز جرئت اشغال مستقیم افغانستان را نداشتند. آنها باید از بین کاندیدان متعدد افغان کسی را انتخاب میکردند که به بهترین وجه منافع شانرا در منطقه تأمین کند.

- انگلیس ها با محمدنادرخان بحیث یک شریک و همدست نی، بلکه بحیث یک مستخدم معامله میکردند و بدینوسیله حیثیت و مقام او حتی از شاه شجاع و بیرک کارمل و کسانی که بعد از آن توسط بیگانگان به افغانستان آورده شده و به قدرت رسانده شدند، هم پائینتر بود.

محمد نادرخان با دوبرادرش تا چاپ شدن اعلامیه هایش در بمبئی معطل شد. درین اعلامیه ها که به امضای نادرخان چاپ شده بود آمده بود که خدمتگار صادق وطن نادرخان و برادرانش برای خدمت به وطن آمده اند. «**من، و هیچکدام از اقارب من آرزوی تخت افغانستان را نداریم.**» (۱۳)

فریک قبل از آنکه نادرخان بطرف پشاور حرکت کند، یکبار دیگر به ملاقات او رفت و پیام شفاهی حکومت هند بریتانوی را برایش رساند. «حکومت هند بریتانوی از حسن نیتی که سبب شد نادرخان از آنها بپرسد، قدردانی میکند. ما یک آرزوی شبیه به او داریم، و آن بازسازی یک افغانستان صلح آمیز، متحد، مستقل قوی و دوست میباشد... ما اطمینان میدهم که با برگشتن صلح به یک افغانستان متحد، فقدان ثبوت دوستی ما وجود نخواهد داشت.» (۱۴)

محمد نادر خان بارها در مکاتباتش به اقوام جنوبی و مشرقی نیز تأکید ورزید که بدون خدمت به اسلام و افغانستان کدام انگیزه و هدف شخصی نداشته بعد از شکست قوای حبیب الله کلکانی شخص دیگری به اتفاق آرا و رضایت اقوام به پادشاهی انتخاب خواهد شد. در یکی ازین نامه ها خطاب به اقوام جنوبی نوشته شده بود که:

«اینجانب محمد نادر که یک خدمتگار دین و دولت اسلام هستم، و خویشتن را بهیچوجه همه مردم افغانستان می دانم، زمانی که در پاریس بودم، خبرهای وحشتناک افغانستان را شنیدم. هرچند در آن وقت بسیار مریض بودم، ولی خدمت برای افغانستان در قدم اول اهمیت برای من بود. همانا با عجله تمام به پشاور سفر نمودم و اینک به خواست خداوند با وحدت و یکپارچگی قبایل، و با درایت مردم ولایات جنوب و شرق افغانستان به طرف کابل پیشروی نموده، بعد از خلع حبیب الله رهزن از سلطنت که تاج و تخت کابل را غصب نموده، شخص دیگری را که قادر باشد به کشور افغانستان، دین و ملت خدمت نماید، به شرط وحدت و رضایت مردم قبایل، به پادشاهی انتخاب خواهم کرد.» (۱۵)

#### آمدن سه شخص مهم در یک وقت به پشاور

بتاریخ ۲۵ فبروری، سفیر انگلیس از کابل ذریعه طیاره و نادرخان از بمبئی ذریعه ریل به یک وقت به پشاور رسیدند. همفریز اظهار داشت که تقدیر یکبار دیگر او و نزدیک ترین دوست قدیمی اش را در یک زمان و محل یکجا ساخت. نفر سومی که در آن وقت پیاده از راه مهمند وارد شب قدر و پشاور شد، شاغاسی علی احمد خان بود.

کمشنر عمومی از پشاور اطلاع داد که والی علی احمد خان به شب قدر می رسد. من و همفریز معتقد هستیم که مانع ورود او نشویم. ما در هتل دینز برایش جای اختصاص داده و یک صاحب منصب انگلیس را با موتر برای آوردنش می فرستیم. من پیشنهاد میکنم برایش واضح گفته شود که بیش از چند روزی نمیتواند درین جا بماند. نادر خان و برادرانش در یک بنگله [منزل بزرگ رهائشی مأمورین انگلیسی] که عاریتاً در اختیار شان قرار داده شده، خموشانه بسر میبرند. نمایندگان زیادی منتظر ملاقات با آنها بوده و بر آنها فشار می آورند که به کمک امان الله خان به قندهار بروند. نادرخان دیروز از اشتراک در جلسه که کمیته خلافت تدارک دیده بود، خودداری کرد. من تحت مقررات امنیتی سرحد، ظفر علی خان (۱۶) را از ایالت اخراج کردم، او با نادر خان در یک ریل از لاهور آمده بود. او در یک بیانیه اعتراضیه جلسه دیروز حکومت [بریتانیا] را مسؤل سقوط امان الله خان دانست، همچنان بودن او درینجا برای نادر خان هم خجالت آور بود.» (۱۷)

نادرخان، برادرانش و علی احمد خان بتاریخ اول مارچ نماز جمعه را در مسجد جامع [محبت خان پشاور] اداکردند. به آنها هدایت داده شده بود تا از بیانات سیاسی ابا ورزیده تنها از ابراز همدردی مردم به افغانستان تشکر کنند. درعین زمان تبلیغات به نفع امان الله خان در تمام مناطق قبایل آزاد شدت یافته و رهبران عمده مهمند فرمان های غازی امان الله خان را دریافت نمودند.

#### بازگشت غیر عادی و قبل از وقت کوچی ها به افغانستان

کمشنر عمومی انگلیس ها در پشاور بتاریخ ۲۰ فبروری ۱۹۲۹ ضمن اطلاع جمع شدن لشکر غلجی ها در برمل و کتواز و مارش شان بطرف قلات غلجی، از حرکت صدها نفر از کوچی های افغان بطرف گومل خبر داد. این

بازگشت قبل از وقت کوچی ها که اکثر شان مریدان حضرت نورالمشایخ و مخالف امان الله خان بودند، در زمستانی ، که اکثر کوتل ها تا هنوز از برف پوشیده بود، غیر عادی بوده و اهمیت سیاسی داشت . (۱۸) این کوچی ها باید از راهی میگذشتند که امان الله خان از آن برای حمله بر کابل استفاده میکرد. لذا قوای امان الله خان باید برای جلوگیری از برخورد با موج عظیم این غلجی های کوچی سریعتر حرکت میکرد.

#### اجازه ندادن به شرکت مولوی های پشاور در کنفرانس هده

کمیته ایالتی خلافت در یک درخواست تحریری از کمشنر عمومی در پشاور خواست تا به ده نفر از مولوی های آن کمیته اجازه داده شود برای شرکت در کنفرانسی که به تاریخ ۱۶ مارچ در هده جلال آباد بمنظور بحث روی جنبه های مذهبی اصلاحات امان الله خان دایر میشود، به افغانستان بروند، اما حکومت هند بریتانوی به آنها اجازه نداد. (۱۹)

#### ملاقات محمد نادرخان و برادرانش با همفریز

محمد نادرخان و برادرانش بتاريخ ۲۸ فبروری در پشاور با همفریز ملاقات کردند. درین ملاقات اولین سؤالی را که نادرخان طرح کرد این بود که «انگلیس ها چه کسی را برای نشستن بر تخت افغانستان ترجیح میدهند، و آیا امان الله خان یک کاندید قابل قبول است؟» او بعد از گرفتن اطمینانی که انگلیس ها به امان الله خان، حبیب الله کلکانی و علی احمد خان کمک نمیکند، جزئیات پلان را فهمید. پلان طوری طرح شده بود که مسئولیت سقوط رژیم امانی به عوض انگلیس ها بگردن خود او یعنی اشتباهاتش در رابطه با اصلاحات و عجله نمودن در تطبیق آن دانسته شده، و آوردن شاه آینده هم کار انگلیس ها نی بلکه انتخاب مردم پنداشته شود. نادر خان از همفریز خواست، بحیث یک دوست سابقه ، وی را در راه پیاده کردن این پلان رهنمائی کند. به او گفته شد که باید نقش یک قهرمان و ناجی مردم را در جلوگیری از ادامه جنگ داخلی بازی کند. بهترین راه برای رسیدن به این هدف وادار ساختن قبایل افغانستان به فرستادن نمایندگان شان به یک مجلس در منطقه مرکزی [لویه جرگه] خواهد بود، تا یک نفر را بحیث پادشاه انتخاب کنند. بدین وسیله افغانستان از خطر تجزیه و ملوک الطوائفی نجات یافته و او هم القاب قهرمان و ناجی و ..... را بدست خواهد آورد.

بر او تاکید شد که این همه باید تحت نام آن پالیسی [نام نهاد] «بی طرفی و عدم مداخله در امور داخلی افغانستان» که قبلا در مجلس عوام انگلستان قرائت شده بود، صورت بگیرد. بریتانیای کبیر آماده است تا به شاه جدید برای کامیابی در تاسیس یک حکومت با ثبات در سرتاسر کشور دست دوستی اش را دراز کند.

نادرخان از سفیر انگلیس برای مشوره و اطمینان شخصی اش به گرمی سپاسگذاری نموده گفت که «بسیاری از شک های که در ذهنش وجود داشت، رفع شدند». او گفت که برای خدمت و نجات کشور از بربادی سعی اعظمی بخرچ خواهد داد. او علاوه کرد که برای پیاده نمودن پلان چاره ندارد جز اینکه خود و برادرانش به کشور سفر نموده، مجلس نمایندگان اقوام را دایر، و با اتفاق آرا برای جلوگیری از خونریزی کار کند. نادر خان پیشنهاد کرد که برای سه روز بیشتر در پشاور بماند، بعد از آن یک برادر برای ملاقات با برادر شان شاه محمودخان به جنوبی رفته ، او و برادر دیگر احتمالاً به جلال آباد خواهند رفت.

نادر خان در آخر اظهار داشت که بریتانیای کبیر یگانه کشوریست که در روز های پریشانی افغانستان، دوستی حقیقی را نشان داده است. او از هموطنانش شواهدی را بدست آورده است که بیطرفی و ثبات انگلیس ها شهر کابل و سفارتخانه های خارجی را از نابودی نجات داده و انشا الله اگر ما بتوانیم نظم را برقرار کنیم، افغانستان این نیکی را هرگز فراموش نخواهد کرد. (۲۰)

به توصیه همفریز محمدنادر خان با کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی نیز ملاقات های نموده و جزئیات کار را با او و همکارانش مورد مذاکره قرار داد. ضمن این مذاکرات اشخاصی را که باید بین آنها وظیفه قاصد و رابط را اجرا کنند، نیز به همدیگر معرفی نمودند. این اشخاص از طرف انگلیس ها ایم ای حکیم و شیخ محمد صادق و از طرف نادرخان حاجی محمد اکبر خان و الله نواز خان بودند.

(ادامه دارد)

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

## یادداشت ها و مأخذ:

1. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۱۲۹ مؤرخ ۹ فیروری کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی .
۲. همانجا، تلگرام شماره ۳۱۴ مؤرخ ۸ فیروری کمیشنر عمومی در پشاور، قسمت ۲۷ پاراگراف ۱۳۰.
۳. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۸ مؤرخ ۱۶ فیروری ۱۹۲۹ وزارت خارجه انگلستان به سفیر انگلستان در پاریس .
۴. اسناد مربوط به هندبریتانوی آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۴ مؤرخ ۱۷ فیروری ۱۹۲۹ به وزارت خارجه انگلستان .
۵. اسناد مربوط به هندبریتانوی آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۵۵ مؤرخ ۲۰ فیروری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.
۶. همانجا، تلگرام شماره ۱۶۱ مؤرخ ۲۰ فیروری .
۷. اسناد آرشیف هند بریتانوی، مکتوب شماره ۶۰۹۸ مؤرخ ۲۰ فیروری ۱۹۲۹ منشی عمومی ، شعبه سیاسی حکومت بمبئی .
۸. اسناد آرشیف هند بریتانوی، مکتوب شماره ۸۲۲ مؤرخ ۲۱ فیروری ۱۹۲۹ به بمبئی .
۹. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۶۱۴۷ مؤرخ ۲۲ فیروری ۱۹۲۹ دفتر سیاسی حکومت بمبئی .
۱۰. همانجا.
۱۱. Poullada, L. B. (1973)، ص ۱۸۲.
۱۲. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۶۱۴۷ مؤرخ ۲۲ فیروری ۱۹۲۹ دفتر سیاسی حکومت بمبئی .
۱۳. Stewart, Rhea Talley (2000)، ص ۵۱۸.
۱۴. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۸۴۶ مؤرخ ۲۳ فیروری ۱۹۲۹ دفتر سیاسی حکومت بمبئی .
۱۵. نامه سرگشاده نادرخان به قوم وزیرمؤرخه ۲۷ رمضان ۱۳۴۷ مطابق ۱۹ مارچ ۱۹۲۹، اسناد آرشیف هند بریتانوی، L/PS/10/1288.
۱۶. مولانا ظفر علی خان نویسنده، شاعر، ژورنالیست و مبارز ضد انگلیس بود، که بعد از فوت پدرش مولوی سراج الدین مدیریت روزنامه معروف «زمیندار» را به عهده گرفت . روزنامه «زمیندار» نه تنها شوق و علاقه روزنامه خوانی را در میان مردم زیاد و وسیعتر کرده بود بلکه به آنها شعور سیاسی بخشیده بود. "زمیندار" اولین روزنامه مسلمانان بود که در سال ۱۹۱۳ میلادی به شکل يك اداره و ارگان منظم با استخدام نویسنده، خبرنگار و گزارشگر کار را آغاز نمود. در بخشی از این روزنامه، ستونی با عنوان "افکار و حوادث" که حالت طنز گونه داشت به بیان موضوعات سیاسی روز با طنز و هجو می پرداخت. این روزنامه در میان مردم مسلمان از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار گردید و مسلمانان هند و حتی دیگر مردم با شوق و افری این روزنامه را می خریدند و همگی گردهم می آمدند و فرد باسوادی آن را برای جمع می خواند. صاحبذلان حساس با خواندن نظم های روح بخش این روزنامه شدیداً تحت تأثیر قرار می گرفتند و شعرهای سیاسی این روزنامه در میان مردم ورد زبان گردیده بود. مولانا ظفر علی خان با مسافرت ها، سخنرانیها و از همه مهمتر، با مقالات خود در روزنامه زمیندار، خدمات شایانی را برای جنبش آزادی انجام داد. او همواره می گفت: "اگر نمیدانید که قلم چگونه چون شمشیر کار می کند، نزد من بیائید و این هنر را از من بیاموزید."
۱۷. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۱۹۵ مؤرخ ۲۷ فیروری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی .
۱۸. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۱۶۱ مؤرخ ۲۰ فیروری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی
۱۹. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۳۳ مؤرخ ۱۱ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی .
۲۰. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۶۶ مؤرخ اول مارچ ۱۹۲۹ سفیر کابل از پشاور به وزارت خارجه انگلستان .

د پانو شمیره: له 5 تر5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی